

یادداشت

سونامی از آسمان

وقتی کوه و یخچال تبدیل به موج می‌شوند

کامران امامی

رئیس اسبق کارگروه بین‌المللی مدیریت تطبیقی سیلاب در ICID

چند روز پیش، زنجیره‌ای از رخدادهای طبیعی، فاجعه‌ای بزرگ را برای نیال رقم زد. ریزش یخچال، ایجاد یک سد طبیعی، روگذری و سرانجام تخریب آن سد، روان‌شدن تندسیلاب و سپس شکل‌گیری سیلاب وازیرهای، هزاران نفر را به کام مرگ کشاندند و ضربه اقتصادی مهمی بر این کشور فقیر وارد کرد؛ ضربه‌ای که آثار آن ممکن است تا ده‌ها باقی بماند. اما شاید مهم‌ترین درس این فاجعه برای ما، نه خود حادثه، بلکه امکان کاهش چشمگیر تلفات جانی از طریق پیش‌بینی و هشدار به‌موقع درباره بخشی از این زنجیره باشد. در گزارش‌ها آمده است که در مقطعی، تراز آب در مدت تنها ۳۰ دقیقه حدود ۹ متر افزایش یافت. چنین افزایش سریعی در تراز آب، می‌تواند نشانه‌ای هشداردهنده از شکل‌گیری یک رخداد تندسیلابی باشد. با دانش و فناوری‌های امروز و با بهره‌گیری از تجربه کشورهای توسعه‌یافته، ایجاد سامانه‌های پیش‌بینی و هشدار سریع تندسیلاب، به‌ویژه در نقاط پرخطر، کاملاً دست‌یافتنی است و در بسیاری از موارد می‌تواند تلفات جانی را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. در فیلم‌هایی که از تندسیلاب‌های نیال منتشر شده است، به وضوح می‌توان دید که گاهی تنها چند ثانیه تفاوت میان مرگ و زندگی است. بنابراین می‌توان تصور کرد که پیش‌هداری چنددقیقه‌ای یا حتی چنددهدقیقه‌ای می‌توانست جان شمار زیادی از انسان‌ها را نجات دهد. تصور کنید در دره این رودخانه، صدها آژیر هشدار تندسیلاب نصب شده بود و هم‌زمان پیام هشدار به تلفن‌های همراه تمام افراد حاضر در منطقه ارسال می‌شد. البته فناوری به‌تثبیلی کافی نیست؛ آموزش و آگاهی مردم از پیش‌نیازهای اساسی موفقیت هر سامانه هشدارسریع محلی است. پیش‌نیاز بسیار مهم دیگر، «طرح عملیاتی شرایط اضطراری» است. طرح عملیاتی شرایط اضطراری سندی است که اقدامات، مسئولیت‌ها، منابع و روش‌های هماهنگی لازم برای پیشگیری، آمادگی، واکنش و بازگشت به شرایط عادی در هنگام وقوع حوادث و بحران‌ها را مشخص می‌کند. هدف آن، کاهش تلفات انسانی، خسارات مالی و زیست‌محیطی و تسریع در مدیریت مؤثر شرایط اضطراری است.

برای مثال، در صورت وقوع سیلاب در پایین‌دست یک سد، طرح عملیاتی شرایط اضطراری مشخص می‌کند که اگر احتمال شکست سد یا افزایش خطرناک تراز آب ایجاد شد، چه کسی، در چه زمانی و چه اقدامی باید انجام دهد؛ از اعلام وضعیت اضطراری و اطلاع‌رسانی به مناطق پایین‌دست گرفته تا تخلیه مناطق در معرض خطر، اعزام نیروهای امدادی و تجهیزات و سرانجام بازگرداندن منطقه به شرایط عادی. در واقع، در یک طرح عملیاتی شرایط اضطراری، زمان، دانش و اطلاعات مورد نیاز برای لحظه بحران از پیش ذخیره شده است؛ زیرا در زمان حادثه، فرصت آزمون و خطا وجود ندارد و تصمیم‌های کلیدی باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن اتخاذ شوند. نکته مهم آن است که توسعه‌یافتگی یک کشور را نمی‌توان صرفاً با تعداد طرح‌های میلیارددلاری سنجید. توانایی پیش‌بینی خطر، هشدار به‌موقع و مدیریت مؤثر شرایط اضطراری نیز یکی از معیارهای مهم توسعه‌یافتگی است. گاه یک سامانه اثربخش هشدار سیلاب و یک طرح عملیاتی شرایط اضطراری، بیش از یک پروژه سازه‌ای چند میلیارد دلاری، نشانه توسعه‌یافتگی است. توسعه‌یافتگی یعنی توانایی مدیریت همه‌جانبه خطر با بهره‌گیری هم‌زمان از راهکارهای سازه‌ای و غیرسازه‌ای؛ نه صرفاً توانایی هزینه‌کردن، به توجه به موارد فوق، نگارنده که بیش از ۳۵ سال است در راه نهادینه‌کردن روش‌های غیرسازه‌ای مدیریت سیلاب، از طریق تألیف کتاب و مقاله و ارائه صدها دوره آموزش کام برمی‌دارم، معتقد است که متأسفانه کشورمان در زمینه سامانه‌های پیش‌بینی و هشدار سیلاب و طرح‌های عملیاتی شرایط اضطراری، حتی در مقایسه با برخی کشورهای کم‌برخوردارتر، مانند هند و نیکلاوش با عقب‌ماندگی مواجه است. موارد زیر را می‌توان به‌عنوان

مصادیق این موضوع برشمرد:

سیلاب گلاب‌دره - دربند، ۱۳۶۶

این تندسیلاب در سال‌های پایانی جنگ ایران-عراق روی داد. ظهر یکشنبه چهارم مرداد ۱۳۶۶، بارش شدید و ناگهانی در حوضه‌های گلاب‌دره و دربند موجب شکل‌گیری سیلابی بسیار سریع شد. در گزارش‌های مختلف، تعداد جان‌باختگان متفاوت است و ارقام مختلفی از حدود ۱۶۱ نفر تا حدود ۳۰۰ نفر ذکر شده است. اهمیت این حادثه در سرعت ویرانگری جریان و عبور آن از محیط شهری بود. جریان گل، سنگ و آب از دره‌های شمال تهران به سمت گلاب‌دره، دربند و تجریش حرکت کرد و خانه‌ها، خودروها و تأسیسات مسیر را درگیر کرد. نکته کلیدی آن است که پس از نزدیک به ۴۰ سال از وقوع این فاجعه، هنوز سامانه جامع پیش‌بینی و هشدار تندسیلاب و طرح عملیاتی شرایط اضطراری متناسب با این خطر در گلاب‌دره-دربند و بسیاری از دیگر روددره‌های تهران به صورت مؤثر و کامل مستقر نشده است. برای مقایسه، در یک دره تفریحی در مالزی، پنج نفر بر اثر تندسیلاب جان خود را از دست دادند و در کمتر از یک سال، سامانه پیش‌بینی و هشدار سیلاب با هزینه‌ای نسبتاً اندک در آن روددره راه‌اندازی شد. شاید همین یک مقایسه کافی باشد تا درپایم تفاوت توسعه‌یافتگی در مدیریت سیلاب، الزاماً در میزان هزینه‌ای که صرف ساخت سازه‌ها می‌شود نیست؛ بلکه در سرعت تبدیل تجربه یک فاجعه به دانش، سامانه هشدار و اقدام عملیاتی است. در همین چارچوب مالزی از ۲۰ سال پیش تونل دومنظوره سیلاب-حمل‌ونقل اسمارت را در پاینخت خود احداث و راه‌اندازی کرده است. این تونل حتی در جریان سیلاب‌های با دوره بازگشت حدود صد سال (۲۵۰ میلی‌متر بارش در پنج ساعت) عملکرد خوبی را از خود نشان داده است. امیراتومرغلی ژاپن نیز در زمانی که ولیعهد بوده از این تونل بازدید کرده است. ژاپنی‌ها و هلندی‌ها در جهان پیش‌تار در مدیریت سیلاب هستند ولی همیشه می‌توان از دیگران آموخت.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

محمدحسین موسوی: سوم شهریور بود که مجلس شورای

اسلامی با تصویب «ماده ۲ طرح مقابله با نفوذ» اقدام به تشدید تحریم‌ها و محدودیت‌های علمی و فرهنگی کشور کرد؛ این بار از مرجعی داخلی، طبق این مصوبه، هرگونه فعالیت و قرارداد اقتصادی، حقوقی آموزشی، اجتماعی، پژوهشی، علمی و فرهنگی در هر قالبی از جمله «تدوین و نشر کتاب، مجله، مقاله، گزارش، آمار» نیازمند گرفتن مجوز در «سامانه برخط ثبت، مدیریت و نظارت بر ارتباطات خارجی» است. طبق این مصوبه، هر شخص پیش از اقدام به «اخذ بورسیه تحصیلی، فرصت‌های مطالعاتی، همکاری علمی و دانشگاهی، برکنزاری یا اعزام با شرکت در کارگاه و دوره آموزشی و اقامت هنری» باید در سامانه مذکور «خوداظهاری» و مجوزهای لازم را دریافت کند. در همان تاریخ یعنی سوم شهریور ۱۴۰۵ خبر دیگری نیز منتشر شد: «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا» دست به تعلیق مجوز عمومی G زده است؛ با لغو این مجوز، دانشگاه‌ها، مؤسسات و پژوهشگران موظف شدند هرگونه تعهدات، فعالیت‌ها و تراکنش‌های جاری خود با دانشگاه‌ها، مؤسسات علمی و پژوهشگران و دانشجویان ایرانی لغو کنند. همین‌طور با ابلاغ این دستور مؤسسات

برگزارکننده دوره‌های آموزشی از جمله مؤسساتی مانند تافل، مجوز برگزاری امتحانات خود در ایران را از دست دادند. درحالی که پویایی دانشگاه و علم نیازمند ارتباطات آزاد جهانی است، گفت‌وگوی «شرق» با اهالی جامعه علمی ایران خبر از یک بن‌بست بزرگ در ارتباطات آکادمیک ایران می‌دهد؛ بن‌بستی ناشی از تلاقی محدودیت‌های تحمیلی خارجی با محدودیت‌های جدید و سخت‌گیرانه داخلی که به تصویب مجلس رسیده است. «شیرین احمدنیا»، جامعه‌شناس و رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، هشدار می‌دهد که پیامد بلندمدت مصوبه مجلس شورای اسلامی می‌تواند کاهش حضور پژوهشگران ایرانی در شبکه‌های علمی، دشوارترشدن انتشار مقالات مشترک، کاهش دسترسی به فرصت‌های مطالعاتی و منابع علمی، عمیق‌ترشدن انزواي دانشگاهی و در نهایت تشدید مهاجرت نیروهای متخصص باشد. «محمد» دانشجوی جامعه‌شناسی هم این وضعیت را سازنده زمینه «خودسانسوری پژوهشی» می‌داند و آینده را یک «وضعیت انزواي علمی» می‌نامد. سوم شهریورماه روز تلخی برای اهالی دانشگاه و علم در ایران بود؛ تیغ تیتر تحریم‌های هر سوو باریدن گرفت و پویایی، ارتباطات و جایگاه علمی و دانشگاهی ایران را هدف قرار داد.

هراس انجام کارهای پژوهشی

«امروز ارتباط با جهان شرط اساسی زیست دانشگاهی است و یکی از معیارهای اصلی ارزیابی دانشگاه‌ها در سطح بین‌المللی، میزان تعاملات فرامرزی و جذب دانشجویان و همکاران بین‌المللی است. ما حتی در شرایط فعلی هم بدون وضع قوانین سخت‌گیرانه جدید با کوهی از محدودیت‌های تحمیلی مواجه هستیم. به‌عنوان نمونه، وقتی می‌خواهیم از استادان ایرانی خارج از کشور برای عضویت در هیئت تحریریه یا داور مقالات مجلات علمی‌مان دعوت کنیم یا حتی کارگاه‌های برگزار کنیم، با پاسخ‌های منفی مواجه می‌شویم؛ زیرا دولت‌های خارجی آنها را از همکاری با ایران منع کرده‌اند. حلقه محاصره و تحریم پیشاپیش تنگ است و در چنین وضعیتی، اگر ما هم از این سو سخت‌گیری‌های مضاعف بوروکراتیک اعمال کنیم، بیش از پیش به پویایی دانش و استفاده از دستاوردهای علمی جهان ضربه می‌زنیم. دانش ملی نداریم و علم اساساً مرز برنمی‌تابد؛ دانشگاه یعنی جهان و تعامل با آن». «حسین ایمانی جاجرمی» جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران است. او پیامدهای این طرح را بر سرمایه اجتماعی و الگوی حکمرانی تحلیل کرده و معتقد است سیاست‌گذاری‌ها، بازتابی از میزان اعتماد حاکمیت به جامعه هستند: «تدوین سیاست‌ها کاملاً بستگی به رویکرد حکمرانی دارد. اگر مینا بر اعتماد باشد، تدابیر متفاوتی گرفته می‌شود؛ اما اگر ارزیابی این باشد که به دلیل فراوانی تهدیدها نمی‌توان به بخش‌های مختلف جامعه اعتماد کرد، تدابیر امنیتی و مسدودکننده جایگزین خواهند شد. در بحث انسجام ملی، ما به شبکه‌های اعتماد عمومی نیاز داریم و این انسجام با سازوکارهای مکانیکی و دستوری محقق نمی‌شود، زیرا یک امر انسانی و اجتماعی است». او می‌گوید راه عاقلانه برای کنترل تهدیدها، سپردن مسئولیت به نهادهاست. «برای مثال در حوزه دانشگاه، خود نهاد دانشگاه باید مسئولیت فعالیت‌هایش را بپذیرد. وقتی دولت با مداخله مستقیم و ایجاد ممنوعیت ورود می‌کند، مسئولیت را از دوش نهاد‌ها برمی‌دارد و با بالا بردن هزینه کنشگری، محافظه‌کاری ایجاد می‌کند. در این فضا، افراد از ترس اینکه مبنای نگرارش یک مقاله ساده به سلب‌ای امنیتی برایشان بدل شود، دست به خودسانسوری می‌زنند و کارهای علمی را کنار می‌گذارند». این جامعه‌شناس با انتقاد از ایده تأسیس سامانه‌های نظارتی برای خوداظهاری فعالیت‌های شهروندان، این رویکرد را عامل فلج‌شدن ارتباط ایران با دنیا می‌داند: «ایجاد بوروکراسی‌های پیچیده و الزام به ثبت هرگونه تعامل در سامانه‌های دولتی، پیوند جامعه با جهان بیرون را هدف قرار می‌دهد و بخش‌های پویا و مرتبط با دنیا را فلج می‌کند. سپردن مسئولیت به خود بخش‌های مرتبط، راهکار بسیار کارآمدتری برای مراقبت از امنیت ملی و داده‌های حساس است تا اینکه همه چیز را در یک فرایند بوروکراتیک و فرساینده قرار دهیم که خروجی آن چیزی جز محافظه‌کاری مفرط نخواهد بود. این محافظه‌کاری در حوزه‌هایی که نیازمند نوآوری، خلاقیت و بدبدهستان فکری هستند، مانعی جدی ایجاد می‌کند». ایمانی جاجرمی» بر ضرورت پرچیز از شتاب‌زدگی تقنینی و توجه به پیوندهای هویتی میلیون‌ها ایرانی خارج از کشور تأکید می‌کند: «ما نزدیک به هفت میلیون ایرانی در خارج از کشور داریم که سرمایه‌های ارزشمندی هستند و باید با مینم تعامل داشته باشند. چنین طرح‌هایی این پیوندهای حیاتی را مخدوش می‌کند. اساساً سیاست‌گذاری‌های شتاب‌زده و عجولانه در حوزه‌های مرتبط با دانش و تجارت، برون‌دادهای موفق نخواهند داشت. قانون اگر از مقبولیت اجتماعی و کارآمدی تهی باشد و تنظیم عادلانه روابط را محقق نکند، عملاً اجرا نخواهد شد. در چنین حالتی، شهروندان به سمت دورزن یا شکستن قانون سوق داده می‌شوند که این امر نفع‌تانی ایجاد نمی‌کند، بلکه ضریب خطا و قانون‌گریزی را در جامعه به‌شدت افزایش می‌دهد.

در مسیر انزواي علمی

«شیرین احمدنیا»، جامعه‌شناس و رئیس «انجمن جامعه‌شناسی ایران» است. او پیش از ارائه ارزیابی خود تأکید می‌کند که دیدگاه‌هایش موضع رسمی انجمن جامعه‌شناسی ایران نیست: «بیش از پاسخ لازم می‌دانم تأکید کنم این بحث‌ها ارزیابی شخصی من به‌عنوان یک جامعه‌شناس، مدرس دانشگاه و فعال حوزه عمومی است و بیانگر موضع رسمی انجمن جامعه‌شناسی ایران نیست». او اصل مقابله با نفوذ سازمان‌یافته و صیانت از امنیت ملی را ضروری می‌داند. اما معتقد است مسئله اصلی، چگونگی تعریف نفوذ و تناسب ابزارهای قانونی با سطح واقعی تهدید است: «اصل توجه به امنیت ملی و پیشگیری از نفوذ سازمان‌یافته، طبعاً ضرورتی انکارنشدنی است. هر کشوری حق دارد در برابر جاسوسی، انتقال غیرقانونی اطلاعات حساس و همکاری آگاهانه با نهادهای متخاصم از خود محافظت کند. مسئله اصلی، چگونگی تعریف نفوذ و تناسب ابزارهای مقابله با آن است. اگر مفهوم نفوذ به‌صورت بسیار گسترده و مبهم تعریف شود و فعالیت‌های متعارف علمی، دانشگاهی، فرهنگی و مدنی را نیز دربرگیرد، ممکن است مرز میان تهدید امنیتی و ارتباط حرفه‌ای و علمی عادی مخدوش شود». به باور او، امنیت پایدار تنها از مسیر کنترل و نظارت ایجاد نمی‌شود و مؤلفه‌هایی مانند اعتماد عمومی، گردش مسئولانه دانش و امکان گفت‌وگوی علمی با جهان نیز بخشی از ظرفیت امنیتی و قدرت ملی هستند: «از دیدگاه جامعه‌شناسی، امنیت پایدار فقط با نظارت و کنترل ایجاد نمی‌شود؛ اعتماد عمومی، پویایی دانشگاه، گردش آزاد و مسئولانه دانش و امکان

گزارش «شرق» از مصوبه جدید مجلس و محدودیت انجام فعالیت‌های علمی

بن‌بست آکادمیک



همراه است: «وقتی پاسپورت ایرانی را می‌بینند، نگاه مثبتی وجود ندارد و گاهی نوعی ترس یا حساسیت نسبت به آن شکل می‌گیرد. در گرفتن ویزا و حتی برای حضور به‌عنوان سخنران، مشکلات مختلفی پیش می‌آید. کارهای اداری و هماهنگی‌ها بسیار دشوار است و با اینکه کشور میزبان یک رویداد بین‌المللی باید امکان حضور شرکت‌کنندگان از کشورهای مختلف را فراهم کند، چنین چیزی همیشه اتفاق نمی‌افتد. مثلاً چند سال پیش برای یک نشست در حوزه شهرسازی در مصر، اصلاً به ایرانی‌ها ویزا ندادند». از نگاه این دانشجو، محدودیت‌های تحمیلی از سوی دولت‌های خارجی، اکنون با نگرانی‌های ناشی از طرح مقابله با نفوذ در داخل کشور تلاقی پیدا کرده است: «همین حالا هم ارتباطات بین‌المللی ما با محدودیت‌های جدی مواجه است. اگر از طرفی خودمان نیز محدودیت‌های جدیدی ایجاد کنیم، این وضعیت به‌مراتب تشدید خواهد شد. یک بخش مهم ماجرا، پژوهشگران پژوهشی است. پژوهشگر برای اینکه متهم نشود یا همکاری‌اش مسئله‌ساز نشود، ممکن است حتی سراغ موضوعات حساسی مانند فقر، حاشیه‌نشینی و حقوق زنان هم نرود. مسئله فقط همکاری با نهاد خارجی نیست؛ خود موضوع پژوهش هم

ممکن است به دلیل ترس از پیامدهای احتمالی کنار گذاشته شود». او با اشاره به تجربه شخصی خود از شرکت در یک اجلاس بین‌المللی در باکو، درباره فضای ابهام و نگرانی پژوهشگران ایران می‌گوید: «در اجلاس یک انجمن جهانی که در باکو برگزار شد، امکان رفتن داشتم، اما نرفتم. بخشی از دل‌آزاری به فرایندهای سفر و محدودیت‌های موجود مربوط می‌شد، اما یک ترس جدی هم وجود داشت؛ اینکه اگر بروم، بعداً گفته شود با کشور متخاصم ارتباط داشته‌ام یا به دلیل حضور در آن اجلاس برچسب جاسوسی یا همکاری امنیتی بخورم. در شرایط جنگی، آدم دادم نگران است که رفت‌وآمد یا ارتباط علمی‌اش چگونه تفسیر خواهد شد. ممکن است امروز کاری کاملاً علمی و عادی باشد، اما فردا همان کار به‌عنوان نشانه‌ای از ارتباط مشکوک مطرح شود». به گفته او، حتی بیش از تصویب نهایی طرح نیز ابهام پژوهشی، برخی فعالیت‌های پژوهشی و دانشگاهی را متوقف کرده است: «این طرح هنوز تصویب نشده و تا جایی که می‌دانم شورای نگهبان آن را تأیید نکرده است، اما همین نامشخص‌بودن وضعیت باعث شده برخی پروژه‌ها متوقف شوند. ما اخیراً با یونیسف روی طرح شهر دوستدار کودک کار می‌کردیم، اما اکنون وضعیت به‌گونه‌ای است که نمی‌دانیم فردا این همکاری تأیید می‌شود یا نه. همین نامعلومی کافی است تا فعالیت علمی متوقف شود. این خودش نوعی خسارت علمی و پژوهشی است، نه این دلیل که همکاری ممنوع اعلام شده، بلکه به دلیل ترس از اینکه بعداً درباره آن چه قضاوتی صورت خواهد گرفت».

افزایش میل به مهاجرت

«حسین» این وضعیت را نمونه‌ای از «خودسانسوری پیشگیرانه» می‌داند: «وقتی پژوهشگر نداند چه چیزی مجاز است و چه چیزی ممکن است برایش برپونده ایجاد کند، ترجیح می‌دهد وارد آن حوزه نشود. این خودسانسوری از ترس پیامدهای احتمالی اتفاق می‌افتد. افراد ممکن است حتی از همکاری‌های عادی، شرکت در کنفرانس‌ها یا پرداختن به مسائل اجتماعی پرهیز کنند. در چنین شرایطی، محدودیت فقط از طریق دستور مستقیم ایجاد نمی‌شود؛ ابهام و ترس، خودشان به ابزار کنترل تبدیل می‌شوند». این وضعیت می‌تواند بر افزایش میل به مهاجرت دانشجویان نیز تأثیر بگذارد، «حسین» می‌گوید: «مسئله فقط این نیست که افراد می‌توانند بروند یا نه. باید میان رفتن و میل به مهاجرت و پروژه‌های دانشگاهی، ممکن است کسی که بگذارد و ممکن است مشکلات مالی یا فرهنگی مهاجرت کند، اما تمام ذهنش درگیر رفتن باشد. به نوعی مهاجرت ذهنی اتفاق می‌افتد؛ فرد از نظر فیزیکی در ایران است، اما ذهنش در نیویورک یا جای دیگری زندگی می‌کند. چنین قانونی، هم می‌تواند میل به مهاجرت را بیشتر کند و هم انگیزه ماندن و مشارکت در ساختن فضای علمی داخل کشور را کاهش دهد». او معتقد است طرح‌هایی از این دست می‌توانند به افول کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی در ایران نیز منجر شوند: «ما در ایران همایش‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی زیادی در حوزه‌های مختلف، از علوم پزشکی و فناوری‌های دانش‌بنیان تا رشته‌های دیگر برگزار می‌کنیم. اگر ارتباطات با جهان محدودتر شود، پژوهشگران خارجی دیگر به این رویدادها نمی‌آیند یا حضورشان با اما و اگرها و محدودیت‌های بسیار همراه می‌شود. در نهایت، همایش‌هایی که قرار بود محل تبادل نظر و شبکه‌سازی باشند، یا برگزار نمی‌شوند یا کیفیت و اعتبار بین‌المللی خود را از دست می‌دهند». محدودیت ارتباطات بین‌المللی بـر پیمایش‌ها، گردآوری داده‌ها و پروژه‌های مشترک نیز اثر می‌گذارد و ممکن است تصویری ناقص از وضعیت ایران در جهان شکل دهد: «در پروژه‌های مختلف با نهادهایی مانند یونسکو، یونیسف یا سازمان‌های بین‌المللی دیگر، داده‌ها و پیمایش‌هایی درباره کشورهای مختلف انجام می‌شود. اگر به دلیل محدودیت‌ها نتوانند در ایران پژوهش کنند یا داده‌های لازم را دریافت کنند، در گزارش‌های بین‌المللی درباره سلامت، بهداشت، حقوق زنان، محیط‌زیست و مسائل اجتماعی، اطلاعاتی از ایران وجود نخواهد داشت. برای کشوری مانند ایران بسیار نگران‌کننده است که به چنین وضعیتی برسد و در مهم‌ترین منابع و گزارش‌های علمی جهان، تصویری سفید یا ناقص از آن ارائه شود».

در مسیر انزواي کامل

این دانشجو چشم‌انداز اجرای سخت‌گیرانه طرح را در میان‌مدت و بلندمدت، شکل‌گیری نوعی انزواي علمی می‌داند: «ممکن است بعد از تصویب، در سال اول اتفاق خاصی رخ ندهد یا تا وقتی این سیاست‌ها معمولاً یک دو سال بعد و حتی در یک بازه پنج‌ساله خود را نشان می‌دهد. چشم‌انداز، نوعی انزواي کامل است؛ اینکه فقط در داخل کشور کار کنیم و از داده‌ها، روش‌ها و دستاوردهای جهانی عقب بمانیم. یکی از نمونه‌های مهم، همکاری‌های پزشکی و ژنتیکی است. من از دوستانم شنیده‌ام که ما نمونه‌های فلزی، تحقیقاتی یا باستان‌شناسی را برای مراکز خارجی می‌فرستیم، آنها روی نمونه‌ها کار می‌کنند و داده‌ها را به ما بازمی‌گردانند. در حوزه ژنتیک و دارو نیز همکاری‌های مشترک و تبادل داده انجام می‌شود. اگر چنین ارتباطی قطع شود، بسیاری از پژوهش‌ها عملاً فلج می‌شوند». «حسین» معتقد است این انزوا تنها کیفیت پژوهش را کاهش نمی‌دهد، بلکه بر کیفیت آموزش دانشگاهی، اعتبار دانشگاه‌ها و امکان به‌روزماندن دانشجویان نیز اثر می‌گذارد: «ارتباطات بین‌المللی در رتبه و جایگاه دانشگاه‌ها هم تأثیر دارد. شبکه‌سازی، همکاری مشترک، انتشار مقاله با مراکز خارجی و حضور در مجامع علمی، بخشی از معیارهای ارزیابی دانشگاه‌هاست. وقتی این ارتباط از بین برود، کیفیت آموزش و حتی رتبه دانشگاه‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی باید در تجربه شخصی خود از شرکت در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی می‌گوید: «محدودیت وجود دارد و این را در تجربه‌های مختلف می‌بینیم. یکی از مشکلات جدی، مسائل مالی و بانکی است. در مواردی که فاند یا کمک‌هزینه‌ای دریافت کرده‌ایم، امکان ویزا آن وجود نداشته و گاهی گفته‌اند باید از مسیرهایی مانند بیت‌کوین اقدام شود یا اصلاً مبلغی پرداخت نشده است». او می‌گوید مشکلات پژوهشگران ایرانی تنها به انتقال پول محدود نمی‌شود و فرایند دریافت ویزا نیز در بسیاری از موارد با دشواری و رفتارهای تبعیض‌آمیز

خودسانسوری پژوهشی

«حسین» دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران و از دانشجویانی است که فعالیت‌های علمی و پژوهشی زیادی انجام می‌دهد. او با اشاره به تجربه شخصی خود از شرکت در کنفرانس‌ها و همایش‌های بین‌المللی می‌گوید: «محدودیت وجود دارد و این را در تجربه‌های مختلف می‌بینیم. یکی از مشکلات جدی، مسائل مالی و بانکی است. در مواردی که فاند یا کمک‌هزینه‌ای دریافت کرده‌ایم، امکان ویزا آن وجود نداشته و گاهی گفته‌اند باید از مسیرهایی مانند بیت‌کوین اقدام شود یا اصلاً مبلغی پرداخت نشده است». او می‌گوید مشکلات پژوهشگران ایرانی تنها به انتقال پول محدود نمی‌شود و فرایند دریافت ویزا نیز در بسیاری از موارد با دشواری و رفتارهای تبعیض‌آمیز

در اجلاس یک انجمن جهانی که در باکو برگزار شد، امکان رفتن داشتم، اما نرفتم. بخشی از دل‌آزاری به فرایندهای سفر و محدودیت‌های موجود مربوط می‌شد، اما یک ترس جدی هم وجود داشت؛ اینکه اگر بروم، بعداً گفته شود با کشور متخاصم ارتباط داشته‌ام یا به دلیل حضور در آن اجلاس برچسب جاسوسی یا همکاری امنیتی بخورم